

## خاستگاه جشنهای کریسمس



کریسمس یکی از روزهای مقدس سال است که به سالروز میلاد حضرت عیسی بن مریم (ع) اشاره دارد، اما به طور کلی جشن کریسمس تولد مسیح (ع) تحت تأثیر جشنهای زمستانی چون سکولار سنتها و رسوم ساتورنالیای قرار گرفته است. سنتهای کریسمس دربرگیرنده نصب تصویر سنتی تولد مسیح، تزئین درخت کریسمس و تبادل هدیه و کارت تبریک و حضور بابانوئل در شب عید کریسمس است و محورهای این عید بر ترویج حسن نیت، بخشندگی، مهربانی و گردهمایی های خانوادگی استوار است.

کریسمس به صورت سنتی روز ۲۵ دسامبر برگزار می‌شود، اما برخی کلیساهای ارتدکس شرقی روز ۷ ژانویه را به عنوان کریسمس جشن می‌گیرند که با ۲۵ دسامبر در تقویم جولیان یکسان است. این تاریخها تنها سنتی بوده و به نظر نمی‌رسد تاریخ حقیقی تولد مسیح چنین روزی بوده باشد.

کریسمس در بسیاری از کشورهای سراسر جهان جشن گرفته می‌شود و این امر به چگونگی پراکندگی مسیحیان و فرهنگ غربی و ترکیب آن با جشنهای زمستانی ارتباط دارد. علی‌رغم نفوذ شایع سنتهای کریسمس آمریکایی و بریتانیایی که در فیلمها، ادبیات، تلویزیون و سایر رسانه‌ها مشاهده می‌شود، سنتهای متعددی به منظور جشن کریسمس هنوز هم در مناطق و محلهای مختلف برگزار می‌شوند.

### **جشنهای زمستانی پیش از کریسمس**

در سنتهای بسیاری از فرهنگها جشن زمستانی از جشنهای بسیار محبوب تلقی می‌شود و بخشی از آن به کم شدن کارهای کشاورزی در فصل زمستان برمی‌گردد، از دیدگاه دینی ایستر (عید پاک) مهمترین جشن در تقویم کلیسایی بوده و کریسمس از اهمیت کمتری برخوردار بود، از سوی دیگر کلیساهای اولیه به جشن گرفتن تولد اعضای کلیسا معترض بودند. برتری جشن کریسمس در دوران مدرن از بسیاری لحاظ منعکس کننده تأثیر فزاینده سنت جشنهای زمستانی است که در آن میان می‌توان به جشنهای ساتورنالیای، ناتالیس سولیس ایویچتی، یول اشاره کرد.

در عصر رومنها، جشن ساتورنالیای مشهورترین جشن زمستانی و زمان استراحت، جشن، شادی و پایان قوانین رسمی محسوب می‌شد. این جشن به احترام ساتورن از ۱۷ تا ۲۴ دسامبر برگزار می‌شد اما در دوره امپراطوری این جشن از هفت به پنج روز تقلیل یافت.

ناتالیس سولیس ایویچتی روز ۲۵ دسامبر تحت عنوان "تولد خورشید مغلوب نشدنی" جشن گرفته می‌شد و دربرگیرنده ستایش الهه‌ها و خدایان خورشید بود. الگابالوس امپراطوری رومی (۲۲۲-۲۱۸) بنیانگذار این جشن بود که مجوبیت آن در دوران اریلیان به اوج خود رسید. روز ۲۵ دسامبر همچنین تاریخ انقلاب زمستانی است و این جشن نشان دهنده عدم مغلوب شدن خورشید در زمستان بود. بسیاری از نویسندگان اولیه مسیحیت تولد دوباره خورشید را به تولد مسیح نسبت داده اند و کاتولیکها استدلال می‌کنند که جشن سول اینویکتوس همان تاریخ کریسمس و میلاد مسیح است.

جشن یول در اواخر دسامبر و اوایل ژانویه برگزار می‌شد و هدف از آن احترام و ستایش خدای رعد بود؛ یک کنده بزرگ چوب را با این اعتقاد بود که هر جرقه رعد بیشتر باشد نشان دهنده تعداد خوک یا گوساله‌ای است که سال آینده متولد خواهد شد آتش

می‌زدند و جشن تا سوختن کامل کنده ادامه داشت و گاهی به ۱۲ روز می‌کشید. از آنجا که اروپای شمالی از آخرین بخش‌هایی بود که به مسیحیت روی آورد جشن‌های غیر مسیحی آنها تأثیر بسیاری بر شکلی‌گیری جشن کریسمس داشت. اسکانداوینها هنوز هم کریسمس را یول می‌نامند، که این کلمه به تدریج در زبان‌های انگلیسی و آلمانی معادل کریسمس شد.

### خاستگاه های جشن کریسمس

به درستی مشخص نیست که چه زمان و چرا ۲۵ دسامبر را به تاریخ تولد مسیح نسبت دادند، چرا که عهد جدید هیچ تاریخی را در اینباره ذکره نکرده است. **سکستوس جولوس آفریکانوس** نخستین مورخ مسیحی بود که شرح وقایع جهانی را آغاز کرد در رایج کردن این ایده که مسیح روز ۲۵ دسامبر متولد شد نقش محوری داشت. این تاریخ نه ماه پس از تاریخ آبیستن شدن حضرت مریم(س) (۲۵ مارس) محسوب می‌شود. از سوی دیگر ۲۵ مارس تاریخ اعتدال بهاری بوده و خلق حضرت آدم (ع) تلقی می‌شود.

مسیحیان در دوران اولیه ظهور مسیح بر این باور بودند که ۲۵ مارس تاریخ مصلوب شدن مسیح است. تعیین تاریخ میلاد مسیح(ع) در ابتدا الهام بخش برگزاری جشن و سرور نبود. **ترتولیان** از متألهان اولیه مسیحیت میلاد مسیح را به عنوان جشن مهمی در کلیسای رومی آفریقا تلقی نکرده است. در سال ۲۴۵، اورینگن فیلسوف و متأله مسیحی یونانی جشن گرفتن میلاد مسیح را تقبیح کرد و اظهار داشت که تنها گناهکاران روز تولد خود را جشن می‌گرفتند. نخستین اشاره به جشن کریسمس (میلاد مسیح) در تقویم **فیلوکالوس** مشاهده می‌شود که در سال ۲۵۴ در روم گردآوری شد. در شرق نیز مسیحیان تولد مسیح را به عنوان بخشی از عید تعمید مسیح و دیدار سه مرد حکیم ستاره شنان ایرانی از عیسی جشن گرفته می‌شود؛ اگرچه این جشن بر تعمید مسیح تمرکز دارد. پس از مرگ والنس امپراطور طرفدار عقاید اریوس در نبرد ادیرنه سال ۳۷۸ جشن کریسمس در شرق رنگ بیشتری به خود گرفت، اما این روند در قرن چهارم بیش از پیش مجادله برانگیز بود و پس از آنکه گریگوری نازیانوس در سال ۳۸۱ به عنوان اسقف منصوب شد این جشن از میان رفت و در سال ۴۰۰ با انتصاب جان کریستوستوم بار دیگر به قوت خود باز گشت.

### قرون وسطی

اوایل دوران قرون وسطی روز کریسمس تحت تأثیر جشن تعمید مسیح بود و در غرب بر دیدار سه مرد ستاره شناس ایرانی از نوزاد مسیح تمرکز می‌کردند. اما تقویم قرون وسطی تحت نفوذ تعطیلات مربوط به کریسمس قرار گرفته بود. برجستگی کریسمس پس از امپراطوری شارلمان تقویت شد، چرا که مراسم تاجگذاری وی در روز کریسمس سال ۸۰۰ و ویلیام اول پادشاه بریتانیا روز کریسمس سال ۱۰۶۶ انجام شد.

در اواسط قرون وسطی تعطیلات کریسمس به قدری پررنگ بود که وقایع نویسان و مورخان به کرات اشاره کرده اند که بسیاری از نجیب زادگان و اشراف کریسمس را جشن می‌گرفتند. **ریچارد دوم** پادشاه انگلستان در سال ۱۳۷۷ جشن کریسمسی برگزار کرد که ۲۸ گاو و ۳ هزار گوسفند به عنوان غذا سرو شد. سرود خواندن در جشن‌های کریسمس نیز از قرون وسطی شکل گرفت، اما بسیاری از نویسندگان آن زمان این گروه های موسیقی را تقبیح کرده و اظهار داشتند که این شیوه ممکن است به ادامه یافتن سنت‌های ساتارنولیا و یول منتهی شود.

### اصلاحات دهه ۱۸۰۰

در طول دوره اصلاحات مسیحیت، پروتستانها جشن کریسمس را به عنوان تجملات کلیسای کاتولیک و پایها محکوم کردند. کلیسای کاتولیک نیز به واسطه افزایش مؤلفه های دینی این جشنها به انتقاد پروتستانها واکنش نشان داد. طی جنگ داخلی بریتانیا، در سال ۱۶۴۷ پروتستانهای هوادار ساده زیستی و سخت گیری مذهبی کریسمس را ممنوع کردند اما طرفداران کریسمس در چندین شهر تظاهرات کرده و به مدت چند هفته کنترل کانتربری (مقر اسقف اعظم انگلیس) را در دست گرفتند. در سال ۱۶۶۰، دوران بازگرداندن چارلز دوم به سلطنت این ممنوعیت از بین رفت، اما هنوز هم برخی از روحانیون انگلیکن با استناد به استدلالهای پروتستان با جشن کریسمس مخالف هستند.

در آمریکا که مستعمره انگلستان بود، پیوریتنها (پروتستانهای هوادار ساده زیستی و سختگیری مذهبی) با کریسمس مخالفت کردند و جشن کریسمس از سال ۱۶۵۹ تا ۱۶۸۱ در بوستن غیرقانونی تلقی می‌شد. در همان زمان ساکنان ویرجینیا و نیویورک مراسم کریسمس را آزادانه برگزار می‌کردند، پس از انقلاب آمریکا به علت نسبت دادن کریسمس به رسوم انگلیسی جشن کریسمس محبوبیت خود را از دست داد.

طی دهه ۱۸۲۰ که تنشهای فرقه ای در انگلستان آرام شده بود، نویسندگان بریتانیایی نسبت به از بین رفتن و کمرنگ شدن جشن کریسمس ابراز نگرانی کردند و تلاشهایی در راستای احیای این سنتها صورت گرفت. کتاب **ترانه کریسمس چارلز دیکنز** که در سال ۱۸۴۳ منتشر شد نقش مهمی در خلق مجدد کریسمس با محور خانواده، حسن نیت و مهربانی ایفا کرد. اوایل قرن نوزدهم علاقه به کریسمس در آمریکا به واسطه چند داستان کوتاه نوشته واشنگتن ایروینگ احیا شد. مهاجران آلمانی و آمریکایی هایی که پس از جنگ داخلی آمریکا به کشور بازگشتند سهم مهمی در آوردن سنتهای کریسمس اروپایی به قاره آمریکا برعهده داشتند. کریسمس در سال ۱۸۷۰ به عنوان یکی از تعطیلات فدرال ایالت متحده اعلام شد.

### قرن بیستم و پس از آن

در سال ۱۹۱۴، نخستین سال جنگ جهانی اول میان سربازهای آلمانی و بریتانیایی آتش بس موقت و غیر رسمی شکل گرفت و سربازان هر دو طرف اقدام به خواندن سرودهای کریسمس کرده و جنگ را متوقف کردند، از سوی دیگر داستانهای بسیاری درباره این آتش بس روایت شده اما شواهدی مبنی بر وقوع این رویداد وجود ندارد. اواخر قرن بیستم ایالات متحده با مناقشه ای بر سر ماهیت کریسمس و جایگاه آن به عنوان جشن دینی یا سکولار مواجه شد، چرا که برخی به رسمیت شناختن کریسمس را به عنوان تعطیلات فدرال نقض قانون جدایی کلیسا و دولت می‌دانند و این امر چندین بار در دادگاه های مختلف مطرح شد و دادگاه عالی ایالات متحده روز ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰ حکم داد که به رسمیت شناختن روز کریسمس به عنوان تعطیلات رسمی و عمومی نقض کننده قانون جدایی دین از حکومت نیست چرا که این روز یک هدف واضح سکولار در پی دارد.

نگرانی هایی که در رابطه با ترکیب ماهیت سکولار با کریسمس مسیحی وجود داشت در قرن بیست و یکم نیز ادامه دارد. در سال ۲۰۰۵ برخی از مسیحیان همراه محافظه کاران آمریکایی علیه سکولار شدن کریسمس تظاهرات کردند. برخی اعتقاد دارند که کریسمس با روندهای سکولار یا اشخاص و سازمانهای ضد مسیحی مورد تهدید واقع می‌شود.

منبع: aftab.ir